

مورخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ در اجتماع دوپست
نفر از احباب وسایرین، در منزل مسیو
اسکات در پاریس: درباره لزوم تمسک به
دین حقیقی برای ایجاد اتحاد

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ در اجتماع دوپست نفر از احباب وسایرین، در منزل مسیو اسکات در پاریس: درباره لزوم تمسک به دین حقیقی برای ایجاد اتحاد^۱

(خطابات جلد اول، ص. ۶۴-۶۹)

هُوالله

در جمیع کتب الهیه از جمیع ملل روزی موعود است که آن روز جمیع بشر در امن و امان راحت خواهند بود و عالم انسانی اتحاد و اتفاق حاصل خواهد نمود، نزاع و جدال نخواهد ماند، جنگ و حرب نخواهد بود، جمیع ملل با هم ارتباط خواهند یافت و وحدت عالم انسانی جلوه خواهد کرد. حال ملاحظه میکنیم که آن روز صبحش دمیده است، پرتو بارقه اش در آفاق منتشر گشته در عالم بشر یک هیجان عظیم حاصل شده.

جمیع ملل عالم شهادت میدهند که تا وحدت عالم انسانی حاصل نگردد، از برای بشر راحت و سعادت حاصل نخواهد شد. محبت است که سبب حیات عالم انسانیت، اتحاد است که اسباب سعادت بشر است، لکن هر چیزی منوط با سبب است تا اسبابش مهیا نشود حاصل نمی شود. مثلاً این چراغ را لابد لازم که بلوری مهیا، روغنی مهیا، فتیله ئی مهیا شود تا روشن گردد. ما میخواهیم در میان بشر محبت حاصل شود محبت را روابطی لازمست. یک وقتی است روابط، روابط عائله است. یکوقتی است که اسباب محبت روابط وطن است. یکوقتی است اسباب محبت وحدت لسانست. یکوقتی است روابط محبت جنسی است. یک وقتی است که روابط محبت، وحدت منافع است. یکوقتی است که اسباب محبت تعلیم و تعلم است. یکوقتی است که سبب محبت وحدت سیاسی است. این اسباب جمیعاً خصوصی است محبت عمومی حاصل نخواهد شد، به جهت اینکه این سبب محبت است میانه اهل یکوطن اما اهل اوطان دیگر محرومند. روابط جنسی سبب محبت میانه آن

^۱ نطق مبارک عصر دوشنبه ۲۹ شوال سنه ۱۳۲۹ در منزل مسیو اسکات در پاریس

جنس است. این روابط سبب محبت عمومی نمیشود که روابط جنسی و تجارقی و سیاسی و وطنی اسباب ارتباط عمومی شود. زیرا روابط جسمانی است مادی است و روابط مادی محدود است. زیرا ماده چون محدود است، روابطش نیز محدود است.

پس معلوم شد اعظم روابط و وسیله بجهت اتحاد بین بشر، قوه روحانیه است، چونکه محدود بحدودی نیست. دین است که سبب اتحاد من علی الارض میشود، توجه بخداست که سبب اتحاد عالم می شود دخول در ملکوت است که سبب اتحاد اهل ارض میشود و چون اتحاد حاصل شد محبت و الفت حاصل می شود. لکن مقصد از دین نه این تقالیدی است که در دست ناس است. اینها سبب عداوتست سبب نفرست سبب جنگ و جدالست سبب خونریزیست. ملاحظه کنید در تاریخ دقت نمائید، که این تقالیدی که در دست ملل عالمست سبب جنگ و حرب و جدال عالمست. مقصدم از دین انوار شمس حقیقت است. و اساس ادیان الهی یکیست یک حقیقت است، یک روحست یک نور است تعدد ندارد.

از جمله اساس دین الهی تحرّی حقیقت است که جمیع بشر تحرّی حقیقت کنند. چون حقیقت واحد است، جمیع فرق عالم را جمع میکنند. حقیقت علمست اساس ادیان الهی علم است، علم سبب اتحاد قلوب میشود. حقیقت الفت بین بشر است. حقیقت ترک تعصب است، حقیقت این است که جمیع بشر را بندگان الهی ببینید، حقیقت این است که جمیع ملل عالم را بنده یک خداوند بدانید. حقیقت این است که جمیع اشیا را زنده از یک فیض ببینید. نهایت اینست در عالم وجود مراتب است مرتبه نقص است و مرتبه کمال. ما باید شب و روز بکوشیم تا نقص مبدل بکمال شود. مثلاً اطفال در عالم طفولیت نمی دانند، ولی مستحق نکوهش نیستند. باید این اطفال را تربیت کرد تا برتبه بلوغ برسند. این نهالها را باید نشو و نما داد تا ثمر بدهد. این زمین را باید پاک کرد تا تخم برکت ببار آرد. این مریض را باید معالجه کرد تا شفا یابد. هیچ نفسی را نباید مبعوض داشت، جمیع بشر را باید محبت کرد. اگر این اساس متین شود، محبت حاصل میشود.

و همچنین باید همیشه مناجات کنیم که خداوند در قلوب محبت ایجاد نماید. تضرع و زاری کنیم تا شمس حقیقت بر کل بتابد تا جمیع در بحر رحمت پروردگار غرق شویم. تضرع و زاری کنیم تا جمیع ناقصها کامل شود. تضرع و زاری کنیم تا جمیع اطفال بلوغ برسند. آفتاب محبت بر شرق و غرب بتابد و از نور محبت الله جمیع قلوب روشن شود، گوشها شنوا گردد قلوب منجذب بنفحات قدس شود ارواح مستبشر بشارات الله گردد. لهذا من دعا میکنم:

الهی الهی لک الحمد بما اشرقت الانوار من ملکوت الاسرار و استضاء جمیع الارض بشعاعها و انتعشت النفوس و انشرحت القلوب بسطوعها. لک الشکریا الهی بما هبت نسائم العناية من مطلع الرحمة و الجود و خرت النفوس سجوداً للربّ المعبود و انشرح الصدور بآیات تقدیسک فی کل الجهات و نادت الألسن بملکوتک و ظهور آیات

بينات. ربنا أننا نتضرع الى مركز الجلال و نتدلل لعزتک بين الانام و ندعوك بالقلوب و الالسن و الارواح و
نستفيض من سحاب رحمتک في كل الايام. ربّ اجبر هذا الكسر. و اكمل هذا النقص و ارحم علي عبادک و
ايدهم الى صراطک. ربّ قد تشعشع انوار الهدى بين الورى و لكن النفوس غفلوا عن ذکرک و ابتلوا بالصمم و
العمى. ربّ انز ابصارهم بمشاهدة آياتک الكبرى و اسمعهم ندائك البديع من ملکوتک الابهى. انک انت
الکریم. انک انت العظیم. انک انت الرحمن الرحيم.

